

اشباح چینی سانفرانسیسکو

کسین هونگ کینگستون

ترجمه صابر مقدمی

انتشارات ناهید

تهران، ۱۳۹۷

سرشناسه	کینگستون، مکسین هانگ، ۱۹۴۰-م. Kingston, Maxine Hong
عنوان و نام پدیدآور	اشباح چینی سائفرانسیسکو / مکسین هونگ کینگستون؛ [ویراستار Sau-ling Cynthia Wong]؛ ترجمه صابر مقدمی.
مشخصات نشر	تهران: انتشارات ناهید، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	: ۲۶۰ ص.
شابک	978-600-5865-55-4:
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا	
عنوان اصلی	Maxine Hong Kingston's The woman warrior: a casebook.
موضوع	کینگستون، مکسین هانگ، ۱۹۴۰-م.
موضوع	Kingston Maxine Hong:
موضوع	زنان آمریکایی چینی تبار - سرگذشتنامه
موضوع	Chinese American women - Biography:
شناسه افزوده	Sau-ling Cynthia Wong: ویراستار
شناسه نزوده	مقدمی، صابر، ۱۳۵۰-، مترجم
رده‌بندی کنگره	۱۲۷ ۹۷۳ / ۲۷۵ CT
رده‌بندی دیویر	۹۷۳/۰۴۹۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۲ ۲۴۵

● مکسین هونگ کینگستون

● اشباح چینی سائفرانسیسکو

● ترجمه صابر مقدمی

● حروفچینی: شبستری

● چاپ اول: تابستان ۱۳۹۷

● چاپ دوستان

● شمارگان: ۵۵۰ نسخه

● همه حقوق محفوظ است.

تکثیر و انتشار این اثر به هر روش (بازنویسی، فتوکپی، ضبط الکترونیکی و ذخیره در سیستم‌های بایوبی و پخش) بدون دریافت مجوز کتبی و قبلی از ناشر ممنوع است.



انتشارات ناهید

www.naahid.com

nahidbooks@yahoo.com

www.bahanbook.ir

● سایت:

● پست الکترونیکی:

● فروش اینترنتی:

پیشگفتار مترجم

مکسین هانت کینگستون نویسنده آمریکایی چینی تبار در ۲۷ اکتبر سال ۱۹۲۰ میلادی در سان کالیفرنیا در یک خانواده مهاجر چینی متولد شد. او سومین فرزند هشت فرزند خانواده و بزرگترین فرزند از شش فرزند به دنیا آمده در آمریکا است. پدر مکسین که به شغل معلمی در روستای زادگاهش اشتغال داشت در سال ۱۹۲۵ برای یافتن یک زندگی بهتر و مرفه راهی آمریکا شد. زنانش به سرعت او به آمریکا مصادف بود با قوانین کاری سخت گیرانه و تبعیض آمیز نسبت به چینی ها و بی میلی کارفرمایان آمریکایی برای استخدام مهاجرین چینی و کم سواد. بنابراین پدرش مجبور شد به مشاغل پست روی آورد. از یک آژانس شرط بندی غیر قانونی دایر کرد و به خاطر این شغل بارها دستگیر و به زندان شد. اما به خاطر زیرکی اش و برخلاف بعضی از چینی ها که حکم می کردند همه چینی ها شبیه هم اند و نمی شود آنان را از همدیگر تشخیص داد، هر بار از اسامی دیگری استفاده می کرد. بنابراین در دفاتر پلیس خلافی به نام او ثبت نشده بود. او موفق شد در سال ۱۹۴۰ زن خود یعنی مادر مکسین را به آمریکا بیاورد و یک سال بعد از آن مکسین به دنیا آمد.

مکسین در سنین جوانی به نوشتن روی آورد و یکی از مقالات او به نام من یک آمریکایی هستم برنده یک جایزه پنج دلاری در مجله دختران پیشاهنگ شد. قبل از اینکه رشته خود را به زبان و ادبیات

انگلیسی تغییر دهد در دانشگاه برکلی به تحصیل در رشته مهندسی پرداخت. مکسین در سال ۱۹۶۲ با شوهرش ارل کینگستون که بازیگر بود ازدواج کرد و شغل معلمی در یک دبیرستان را انتخاب کرد. آنان بعد از چند سال به هاوانی مهاجرت کردند و در این شهر بود که مکسین سفت و سخت به نویسندگی چسبید و اولین اثرش اشباح چینی سانفرانسیسکو چاپ شد. او در همان سال به تدریس ادبیات انگلیسی در دانشگاه هاوانی پرداخت و در سال ۱۹۸۱ برای تدریس به دانشگاه برکلی کالیفرنیا رفت.

کینگستون علاوه بر ادبیات در زمینه سیاست نیز فعال است. او در سال ۱۹۹۰ ال نشنال هیومنیتی^۱ را از دستان بیل کلینتون رئیس جمهور وقت آمریکا دریافت کرد. کینگستون در روز جهانی زن سال ۲۰۰۳ به جرم شرکت در یک تظاهرات ضد جنگ که از طرف سازمان‌های طرفدار حقوق زن در واشنگتن دی سی سازماندهی شده بود به‌خاطر سرپیچی از دستور پلیس مبنی بر «ترق شدن دستگیر شد» موضع‌گیری‌های ضد جنگ کینگستون به‌طور چشمگیری در آثار او قابل مشاهده است. او در سال ۲۰۰۷ جایزه ویژه کتاب کالیفرنای شمالی را به‌خود اختصاص داد. این جایزه به‌خاطر سهم او در انتشار آنتولوژی «کهنه سربازان جنگ، کهنه سربازان صلح» به او تعلق گرفت. در جولای سال ۲۰۱۴ مدال ملی هنر سال ۲۰۱۳ را از دستان باراک اوباما رئیس جمهور وقت آمریکا دریافت کرد. باراک اوباما ستایش‌کننده کتاب اشباح چینی سانفرانسیسکو است و خواندن آن را به‌خاطر پی بردن به آلام انیت‌های نژادی به همه توصیه می‌کند.

کینگستون در مصاحبه‌ای که در مجله تاریخ ادبیات آمریکا به چاپ رسید خود را تحت تأثیر نویسندگانی نظیر والت ویتمن، ویرجینیا وولف و ویلیام کارلوس ویلیامز می‌داند.

کینگستون با کتاب اشباح چینی سانفرانسیسکو که موضوعاتی مانند جنسیت، قومیت و تأثیر آنها بر زندگی زنان را مطرح می‌کند سهم مهمی در شکل‌گیری و تکوین جنبش فمینیستی ایفاء کرده است. او به‌خاطر نقش پررنگش در ادبیات آمریکایی جوایز متعددی را برده است. جایزه کتاب ملی برای ادبیات غیرداستانی برای کتاب مردان چینی در سال ۱۹۸۱ از زمره این جوایز است.

آثا:

— زن نام و نشان (مجموعه مقالات)

— اشباح چینی سانفرانسیسکو ۱۹۷۶

— مردان چینی ۱۹۸۰

— تابستان مزارانی ۱۹۸۰

— از لابه‌لای پرد سا ۱۹۸۱

— میمون تریپ‌مستر ۱۹۸۶

— شاعر بودن ۲۰۰۲

— کتاب پنجم صلح ۲۰۰۳

— کهنه سربازان جنگ، کهنه سربازان صلح ۲۰۰۶

— کرانه‌های نامتناهی زندگی را دوست دارم ۲۰۱۱

جوایز:

— جایزه انجمن منتقدین کتاب به‌خاطر کتاب اشباح چینی سانفرانسیسکو

۱۹۷۶

— جایزه کتاب آنیسفیلد ولف به‌خاطر کتاب اشباح چینی سانفرانسیسکو

۱۹۷۸

— جایزه انجمن موقوفه ملی برای نویسندگان هنری ۱۹۸۰

— جایزه کتاب ملی برای کتاب مردان چینی ۱۹۸۱

— جایزه انجمن موقوفه ملی برای نویسندگان هنری ۱۹۸۲

— جایزه کانون نویسندگان به خاطر کتاب میمون تریپ مستر ۱۹۸۹

— مدال نشانال هیومینیتی ۱۹۹۷

— جایزه یک عمر کار هنری از مرکز جوایز ادبی آسیایی آمریکایی

۲۰۰۶

— مدال بنیاد کتاب ملی آمریکا به خاطر سهم برجسته در ادبیات

آمریکایی ۲۰۰۸

— مدال ملی هنرها ۲۰۱۳

اشباح چینی سانفرانسیسکو از پنج بخش به هم پیوسته تشکیل شده است که شبیه داستان‌های کوتاه‌اند.

بی‌نام و نشان: در اولین بخش کتاب راوی شرح می‌دهد که چگونه مادرش یک بار داستان زنی بی‌نام و نشان را برایش بازگو کرده است. این بخش با شرح مختصری که از زبان مادرش نقل شده شروع می‌شود. او داستان زنی بی‌نام و نشان را که مادرش فقیدش را روایت می‌کند. در قسمت میانی این بخش که گنگستون به روایت داستان زن بی‌نام و نشان ادامه می‌دهد. کینگستون از تجارب شخصی‌اش درخصوص فرهنگ و آداب و رسوم چینی بهره می‌گیرد تا روایت‌های مختلف از کتاب رنگ و بوی واقعیت ببخشد. در پایان این بخش کینگستون درباره اهمیت داستان مادرش تأمل می‌کند. او نتیجه می‌گیرد که در واقع داستان چگونگی مرگ زن بی‌نام و نشان نیست بلکه دلیل فراموش شدن اوست. **ببرهای سفید:** در قسمت ابتدایی ببرهای سفید کینگستون داستان فامولان را از زبان مادرش روایت می‌کند. فامولان یک جنگجوی زن است که جانشین پدرش در عرصه نبرد می‌شود. کینگستون گریزی به صحبت درباره زندگی‌اش در آمریکا می‌زند و آن را با داستان فامولان می‌آمیزد. او جرأت صحبت درباره رئیس نژادپرستش را ندارد چه برسد به اینکه جان چینی‌ها را نجات دهد. در پایان کینگستون به این نتیجه می‌رسد که زندگی او و فامولان شبیه یکدیگرند.

جن گیر: کینگستون با استفاده از مدرک تحصیلی قدیمی و عکس های مادرش در سال های زندگی در چین داستان زندگی مادرش را به عنوان یک محصل زن مدرسه پزشکی روایت می کند. ارکید دلاور، مادر کینگستون بعد از دو سال تحصیل به زاد و بومش بازمی گردد. کینگستون در خلال سال های جنگ جهانی دوم به دنیا آمد و با داستان های مادرش بزرگ شد. مادرش به او آموخت که تمام انسان های سفیدپوست پیرامونش اشیای خنثی هستند.

در کاخ غریبی: این قسمت با ارکید دلاور، دو فرزند و خواهرزاده اش در فرانسه بین المللی سانفرانسیسکو شروع می شود. ارکید دلاور منتظر ورود دخترش، ارکید ماه از هنگ کنگ است. ارکید ماه بعد از سی سال دوری از فرانسه به آمریکا مهاجرت کرده. ارکید دلاور خواهرش را به خانه اش معرفی می برد. آنان با استقبال شوهر ارکید دلاور که از چشم ارکید ماه پیر شده بود و به او می شوند. ارکید ماه تابستان را در آنجا سپری می کند. ارکید دلاور، پسر بزرگش، ارکید ماه و دختر ارکید ماه با ماشین به سمت لس آنجلس حرکت می کنند. مأموریت آنان یافتن شوهر ارکید ماه است. در پایان این قسمت ارکید ماه مشاعرش را از دست می دهد و مجبور می شود به زندگی با ارکید دلاور ادامه دهد.

ترانه ای برای نی وحشی: در این داستان کینگستون فاش می کند که مادرش در کودکی بند زیر زبانش را بریده. کینگستون به تقیر دختری چینی که یک سال از او بزرگ تر است می پردازد. او کم حرف و خجالتیست. روزی او خودش را با دختر در دستشویی تنها می یابد. کینگستون داستان های عجیب و غریب دیگری را نیز روایت می کند. کینگستون بعد از اینکه سر پدر و مادرش فریاد می زند که نمی خواهد با پسر عقب مانده ذهنی که هر روز به محل کار آنان می آید ازدواج کند و بدون توجه به نظر مادرش فهرستی از بایدها و نبایدهایش تهیه می کند. در بخش پایانی کینگستون به بازگویی داستان تس آی یین شاعر می پردازد که در سال ۱۷۵ بعد از میلاد به دنیا آمده است.

زبان و صدای راوی کتاب: زبان اشباح چینی سانفرانسیسکو تلفیقی از صداها و فرهنگی و زبانی گوناگون است. کینگستون می‌کوشد به مدد نثرش ظرائف سبک داستان‌گویی چینی را تقلید کند. تلاش برای انتقال زبان چینی به وسیله یک زبان هندواروپایی کار سهل و آسانی نیست. براین اساس اشباح چینی سانفرانسیسکو تلفیقی از روایت اول شخص، دوم شخص و سوم شخص است. راوی اول شخص خود اشباح چینی سانفرانسیسکو کینگستون و صدای آمریکایی اوست. راوی دوم شخص کتاب صدای داستان‌گویی چینی کینگستون و راوی سوم شخص آن که «دکاخ غربی» از آن سود می‌جوید ملغمه‌ای است از این دو صدا. راینند این ترکیب صداها را تنها می‌توان زبان امتزاجی نامید که مختص کینگستون است.

نوشته این شیوه امتزاجی که درواقع تلفیق زبان انگلیسی آمریکایی با لحن و لهجه با رتم آسیایی می‌باشد، شیوه‌ای است که کینگستون براساس آن تجارب آسیایی و غربی‌اش را باهم درمی‌آمیزد. این آمیزش دو تجربه متفاوت - تصاویر و استعاره‌ها - همان چیزی است که سبک کینگستون را تشکیل می‌دهد. کینگستون تأیید می‌کند که یکی از روش‌هایی که او برای آمیختن این دو تجربه با هم می‌گردد سخن گفتن به چینی و نوشتن به انگلیسی آمریکایی است.

اشباح چینی سانفرانسیسکو محصول رستخیزانه و فی‌البداهه کینگستون است. این عادت به او اجازه داد اشباح چینی سانفرانسیسکو را ظرف سه سال همزمان با تدریس در مدرسه شبانه‌روزی که مجبور بود بیست و چهار ساعت در آنجا کار کند بنویسد. جالب است بدانید عنوان اصلی اشباح چینی سانفرانسیسکو «داستان‌های کوهستان طلا» بود که کینگستون در سال ۱۹۸۶ در گفتگویی با جادی هوی بدان اشاره کرد:

ناشرین دوست نداشتند نام رمان مانند نام مجموعه داستان‌های کوتاه به نظر برسد. چون که هرگز حاضر به چاپ مجموعه داستان نبودند.

من با هر دو این عنوان‌ها موافق نبودم. فکر می‌کنم گذاشتن عنوان زن جنگجو (اشباح چینی سانفرانسیسکو) روی این کتاب تنها روی کلمه جنگجو تأکید می‌کند. من درواقع داستان جنگ نمی‌گویم من دوست دارم منادی صلح و دوستی باشم.

ژانر یا سبک خاص اشباح چینی سانفرانسیسکو به‌خاطر تلفیق افسانه‌های سنتی چینی با اتوبیوگرافی‌نویسی مورد توجه منتقدین قرار گرفته است. کینگستون با این تلفیق می‌کوشد مخاطب خود را با زمینه‌های فرهنگی، خانوادگی و شخصی خویش آشنا سازد تا به واسطه این آشنایی مخاطب از موقعیت او به‌عنوان یک زن چینی تبار آمریکایی مطلع شود.

فریدمن مانند مورف این اتوبیوگرافی را از زاویه موضوع زن و اقلیت‌های نژادی مورد بررسی قرار داده و تلفیق پیچیده ژانر و زاویه دید کینگستون را چنین شرح می‌دهد: «زنان و اقلیت‌های قومی-فرهنگی غالباً از این امتیاز که خود را متعلق به جنس یا گروه نژادی خاصی ببینند، محرومند. کینگستون این کتاب را با استفاده از سبک داستان‌گویی چینی و جایگاهش به‌عنوان یک زن آمریکایی چینی تبار، نسیم نموده.

البته کینگستون به‌خاطر استفاده از کلیشه‌های نژادپرستانه در آثارش با انتقادات جدی منتقدین ادبی روبه‌رو شده است. او را می‌کنند که با تبدیل کردن افسانه‌های سنتی چینی به داستان‌ها امروزه سعی دارد برداشت غربی‌ها از مردم چین را بهبود ببخشد. انجمن زنان محقق آسیایی از او به‌خاطر اغراق بیش‌ازحدش از ظلم و تعدی نسبت به زنان آسیایی-آمریکایی انتقاد می‌کنند. فرانک شین فیلمنامه‌نویس و رمان‌نویس معروف معتقد است کینگستون از روی عمد با تبدیل افسانه‌های سنتی چینی به داستان‌های امروزی درصدد جلب توجه غربی‌هاست و بدین ترتیب اصالت و اعتبار افسانه‌های چینی را لکه‌دار کرده است.

شین کینگستون را متهم می‌کند که با اقتباس آزادانه از افسانه‌های چینی با کلیشه‌های رایج نژادگرایانه سفیدپوستان تباری کرده و به دنبال خلق یک فرهنگ چینی آمریکایی ساختگی موردپسند اکثریت است.

اما کینگستون در مصاحبه‌ای که در سال ۱۹۹۹ انجام داد پاسخ منتقدینش را داد. او گفت که مردان فکر می‌کنند موفقیت نویسندگان زن اقلیت منوط به همدستی آنان با نهادهای نژادگرایانه سفیدپوستان است. به‌خاطر اقبال سفیدپوستان به نوشته‌ها و آثار فیمینیستی است... این یک بحث پیشداورانه است چون که زنان پاسخی بدان نداده‌اند. ما به آنان اجازه می‌دهیم این اظهارات را به‌زبان بیاورند چون که هرگز قصد به‌افکندن و گل‌آلودکردن آب برای رسیدن به مقاصدمان را نداریم.

علاوه بر منتقدین آمریکایی منتقدین آسیایی نیز از آثار کینگستون انتقاد می‌کنند. سرار سوک لین لیم، پروفیسور ادبیات انگلیسی در دانشگاه سانتا باربارا، که فرنس مدعی است که تلاش کینگستون برای نمایش نظام پدرسالاری در چین را به‌استفاده از تاریخ چین در راستای تلاش غربی‌ها برای معرفی آسیایی‌ها به‌عنوان نژادهای پست انسانی است. کاترین ام‌فونگ نویسنده آمریکایی نیز کینگستون را به‌خاطر تحریف تاریخ چین و آمریکایی‌های چینی تبار و نه پیش‌اغراق‌آمیز زن‌ستیزی فرهنگی آمریکایی‌های چینی تبار مورد انتقاد قرار داده. به‌گفته او غیرچینی‌ها داستان‌های کینگستون را به‌اشتباه گاه‌شمار واقعی تاریخ چینی‌ها و آمریکایی‌های چینی تبار قلمداد می‌کنند. سونگ می‌نویسد که پدرش در کودکی هرگز با او بدرفتاری نکرده و نسبت به او بسیار مهربان و رئوف بوده است.